

۳۵ مردی باچشمان حادثه‌ساز



محمد بلوری، روزنامه نگار

پس از اعلام ممنوعیت ساز و آواز توسط رمالان و دعانویسان مراد آباد، آن روز سردرسته یک گروه شادمانی همراه نوازندگان دوره گردش به حضور یکی از رمالان مقتدر رسید تا طبق دستور مجمع سازهایشان را بشکنند و توبه‌نامه‌ای امضا کنند که دیگر به نوازندگی نخواهند پرداخت. اما آن روز شیخ رمال مراسم توبه را اجرا نکرد و وعده داد روز بعد به حضورش برسند تا درباره‌شان تصمیم بگیرد.

شیخ که در دیدار با پیرمرد ساز زن و سردرسته نوازندگان دوره گرد با عمری فریبکاری در حق مردم گرفتار بحران روحی شده بود تا سحرگاه به توبه و زاری پرداخت تا خداوند از گناهانش درگذرد...

همان شب که رمال پیر، نادام از گناهانش روی به درگاه خداوند آورده بود و برای بخشش از روسیاهی‌هایش زاری می کرد، در مرادآباد عصبان عجیبی در میان مردم علیه مظالمی که گروه رمالان و دعانویسان به روستا نشینان روا می داشتند شانه اوج می گرفت.

هزاران تن به بام خانه‌ها دویدند و بر طبل و نقره یا بر سینی‌هایی کوبیدند تا همگی در اعتراض به ممنوعیت ساز و نوا، خروش جمعی سر دهند و این خروش خشم و عصبان مردمی در اعتراض به قاضی آبادی و جمع رمالان و دعانویسان مقتدر بود.

هنگام ظهر منش صفدر پیشخدمت مخصوص طالع بین پیر وارد اتاق اش شد که دید «آقا» سر سجاده خوابش برده است. صفدر زانو زد و به آرامی صدایش زد.

– آقا آمده‌اند، خودتان فرموده بودید، خدمت برسند. پیرمرد از خواب پرید و با چهره‌ای هراسان پرسید:

– کیا صفدر؟ باز برای توبه؟

– پیشخدمت با واهمه و نگرانی گفت:

– یادتان نیست آقا؟ فرموده بودید مطرب‌های دوره گرد امروز ظهر خدمت برسند؟ جواب‌شان کنم آقا؟ در سرسرا نشسته‌اند، سازهایشان را هم آوردند که توبه‌نامه به دستخط شما بگیرند؟

رمال پیر با یاد آوری ساز زن‌های دیروز گفت:

– بیایند در اتاق نشیمن منتظر بمانند تا من به دیدن‌شان بروم.

شیخ برای هوشیاری بیشتر دستی به صورتش کشید و زیر لب دعایی زمزمه کرد. برخاست تا برای ملاقات با دسته مطرب‌ها آماده شود. چیزی به‌خاطر آورد و خدمتکار سالخورده‌اش را صدا زد و به او سفارش کرد.

– برای‌شان سفره پهن می کنی تا ناهارشان را بخورند. منش صفدر توصیه می کنم با آنها به احترام و مهربانی رفتار کن. یادت باشد اینها میهمان‌های گرمی من هستند.

– چشم آقا!

و رفت تا این میهمان‌های سفارش کرده آقا را به اتاق مخصوص نشیمن دعوت کند.

به‌دعوت پیشخدمت، سردرسته مطرب‌ها با تار کهنه یادگاری پدرش همراه سرنا نواز گروه که میمون تعلیم دیده را به رقص وای می داشت یا برای خندانن تماشاچی‌ها از این حیوان می خواست با اشاره به ماتحت و سینه‌اش جای دوست و دشمن را نشان دهد، سازهایشان را برداشتن و راه افتادند.

پسرک هم که یکباره به خود آمده بود، هراسان نی‌لیک‌اش را برداشت و دنبال آنها راه افتاد. یک دایره رنگی کوچکی هم داشتند که پیرمرد سردرسته آن را در یک جلد پارچه‌ای زیر بغل زده بود. وارد اتاق نشیمن که شدند با راهنمایی پیشخدمت برای خوردن ناهار پای سفره نشستند، سفره‌ای بلند و رنگین که بامرغ و ماهی تکه‌هایی از یک بره با ساغرهایی از انواع شربت به دستور «آقا» برای‌شان گسترده بودند.

ناهارشان را که خوردند، شیخ پا در اتاق گذاشت، با دستار و عباپی با حاشیه نور زار دوزی شده که هر روز برای حضور در مجمع رمالان و دعانویسان ریش سفید به تن می کرد. در برابر مطرب‌ها نشست و با نگاهی به سازهایی که آماده برای شکستن در مقابل چیده بودند گفت: – این اسباب طرب را نخواهید شکست و توبه نامه‌ای هم در کار نخواهد بود. اما به آنچه که من می گویم باید در کوچه و بازار عمل کنید و من ضامن جان شما خواهم بود...

آن دایره رنگی که کیسه دارد مال من و شماست نه تار و سرنا و نی لیکنان را بر می دارید بروید در کوچه‌های آبادی تا مردم غمگین را دلشاد کنیم. از امروز دیگر از شکستن ساز و نوشتن توبه‌نامه خبری نیست...

■ ادامه دارد

دزدی میلیاردی از طلافروشی پدر

گروه حوادث/ پسر جوان که به خاطر اختلاف مالی با پدرش سناریوی سرقت از مغازه طلافروشی وی را اجرا کرده بود از سوی پلیس لو رفت. سردار «علی اکبر جویانان»، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه در تشریح این خبر گفت: چندی قبل مرد طلافروشی با مراجعه به پلیس از سرقت حدود یک میلیارد تومان سکه و طلا از داخل مغازه اش در کرمانشاه خبر داد.

پس از این شکایت تیم کار آگاهان مبارزه با سرقت پلیس آگاهی کرمانشاه با حضور در محل و بررسی‌های ابتدایی دریافتند سرقت توسط یک آشنا رخ داده چرا که سارق یا سارقان بدون تخریب در یا شکستگی شیشه مغازه وارد شده اند و در حالی که آشنایی کاملی با محل نگهداری طلاها داشته اند اقدام به سرقت کرده‌اند.

در ادامه تحقیقات مرد طلافروش گفت چند روز قبل از این سرقت کلید گاو صندوق مغازه را گم کرده و روزی که کلیدها گم شده بود شریک وی به همراه پسر و دوست پسرش در مغازه حضور داشته‌اند.

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه ادامه داد: کار آگاهان در گام بعدی به سراغ این افراد رفتند که در نهایت دوست پسر صاحب مغازه در بازجویی‌ها به سرقت کلید گاو صندوق با همکاری پسر صاحب مغازه اعتراف و عنوان کرد در فرصتی مناسب هر دو نفر اقدام به سرقت طلاها و سکه‌های موجود کرده‌اند. در ادامه پسر مرد طلافروش نیز دستگیر شد و به همدستی با دوستش برای سرقت طلاهای مغازه پدرش اعتراف و عنوان کرد اموال موقوفه را در خودروی ۲۰۶ یکی از دوستانش مخفی کرده است که با راهنمایی وی خودروی مورد نظر کشف و پس از بازرسی‌های لازم همه طلا و سکه‌های سرقتی کشف شد.

بدین ترتیب هر سه متهم بازداشت شدند و پسر شاکي اختلاف خانوادگی با پدرش را انگیزه این سرقت اعلام کرد.

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه خاطرنشان کرد: صاحبان اصناف بخصوص مشاغلی مانند طلافروشی‌ها بهتر است از دوربین‌های مدار بسته استفاده کرده و نسبت به حمل و نگهداری مناسب کلید مغازه خود دقت بیشتری داشته باشند.

وی گفت: موضوع دیگری که صاحبان طلافروشی‌ها باید نسبت به آن حساس باشند این است که کلید مغازه خود را به راحتی در اختیار و دسترس دیگران قرار ندهند تا اینگونه با مشکل مواجه نشوند.

سرقت مستخدم فوق لیسانس از خانه دو خواهر پولدار



گروه حوادث/ زن تحصیل کرده وقتی شغلی متناسب با رشته تحصیلی اش پیدا نکرد با عنوان مستخدم به خانه افراد ثروتمند می رفت و سرقت می کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر مرداد امسال پرونده‌ای مبنی بر سرقت منزل در کلانتری ۱۰۱ تجریش تشکیل شد و به دستور مقام قضایی برای رسیدگی تخصصی به پایگاه یکم پلیس آگاهی فرستاده شد.

شاکي درباره این سرقت به کار آگاهان گفت: صبح روز بیست و هفتم مرداد از خانه‌ام در محله قیطریه بیرون رفتم و شب وقتی برگشتم متوجه به هم ریختگی خانه و به سرقت رفتن مقداری طلا و جواهر، یک قاب ساعت مچی برند و لباس‌های مارک دارم به ارزش تقریبی ۴ میلیارد ریال شدم.

سرهنگ کار آگاه «سید علی شریفی» رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح این خبر گفت: کار آگاهان پس از کسب دستورات قضایی به تحقیقات میدانی در محدوده جرم پرداختند که مشخص شد، زنی به نام سمیرا که به عنوان خدمتکار و نظافتچی پاره وقت در استخدام شاکي بوده ساعت

سرقت نیز اعتراف کرد.

رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: در این رابطه سه مالخر شناسایی شدند و ضمن دستگیری هر سه متهم اموال شاکيان در مخفیگاه آنان شناسایی شد. وی در پایان افزود: هر ۴ متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

تبدیل به دلار و ارز خارجی می کردم. در ادامه رسیدگی به این پرونده مأموران متوجه شدند خواهر شاکي نیز مدتی قبل شکایاتی مبنی بر سرقت ۵۰۰ میلیون تومانی از خانه‌اش در اداره پلیس مطرح کرده است که مشخص شد این زن مدتی نیز در خانه خواهر این شاکي کار می کرده که وی در بازجویی‌ها به این

انکار متهم در پرونده قتل وحید مرادی



گروه حوادث/ مرد جوانی که به اتهام قتل وحید مرادی – شرور معروف پایتخت- برای دومین بار پای میز محاکمه ایستاده بود باز هم منکر قتل شد و فقط حضور در نزاع جمعی را پذیرفت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این مرد که حکم قصاص وی به اتهام قتل وحید مرادی چند ماه قبل از سوی دیوان عالی کشور نقض شده بود صبح دیروز برای دومین بار در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص این متهم را به دلیل نقص در تحقیقات نقض کرده بودند چرا که فیلم مورد ادعای متهمان از صحنه قتل در زندان از سوی دادگاه بدوی مورد بررسی قرار نگرفته بود.

وحید مرادی- مقتول- به اتهام قتل یکی از دوستانش و زخمی کردن سه خواهرزاده وی در یک میهمانی خصوصی از سوی پلیس دستگیر شده بود و در زندان به سر می برد که در جریان یک نزاع جمعی در زندان رجایی شهر به قتل رسید. بررسی فیلم دوربین‌های مدار بسته زندان نشان داد وحید مرادی به دست جوانی به نام «اسعید» که او نیز به اتهام قتل در زندان بود و در چند سرقت مسلحانه نیز شرکت داشت، کشته شده است.

اما سعید در بازجویی‌ها اتهام قتل را رد کرد و گفت: من چند سال پیش مرتکب قتل شدم، اما رضایت گرفتم و آزاد بودم تا اینکه مدتی قبل به دلیل نزاع دسته جمعی و مشارکت در سرقت مسلحانه زندان داشتم. از زمانی که وحید وارد زندان شد، بند را به هم ریخت، او ۵۰ نوحه در زندان داشت و همه با او لقب عقاب داده بودند. روز حادثه ما قصد درگیری نداشتیم، اما نوحه‌های وحید در بند را شنیدند و وارد شدند. آنها با روغن و آب جوش به ما حمله کردند. ضمن اینکه تیزی و چاقو هم داشتند و زندانیان را زدند. در آن درگیری نمی دانم چه اتفاقی افتاد و چه کسی وحید را زد. البته من هم ضربه‌ای زدم، اما ضربه کشنده را که پزشکی قانونی تعیین کرده است من نزدم. ۱۸۰ متهم در این پرونده شناسایی شدند و متهمان پای میز محاکمه رفتند. جلسه رسیدگی به این پرونده به صورت غیر علنی برگزار شد.

با پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و سعید، متهم ردیف اول را در قتل عمدی مجرم تشخیص دادند و به قصاص محکوم کردند اما رای صادره مورد اعتراض قرار گرفت. دیوان عالی



زنده به گور شدن ۲ کلرگر

گروه حوادث/ آوار ناشی از خاکبرداری تأسیسات مجتمع برف شهر آبدلی جان ۲ نفر را گرفت.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، پیش از ظهر چهارشنبه عملیات ساختمانی در مجتمع برف آبدلی به علت رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام خاکبرداری با بیل مکانیکی و سست بودن خاک منجر به ریزش آوار و مدفون شدن ۴ نفر شد که با تلاش عوامل هلال احمر و اورژانس ۲ نفر از آنها نجات پیدا کردند اما دو مرد ۳۵ و ۴۰ ساله نیز با وجود تلاش عوامل امدادی و انجام سی بی آر جانشان را از دست دادند. مجروحان این حادثه توسط نیروهای اورژانس به بیمارستان منتقل شدند.

شاهین فتحی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران در این باره گفت: پس از اعلام گزارش این حادثه به سازمان هلال احمر بلافاصله یک تیم نجات از پایگاه امداد و نجات جمعیت هلال احمر شهرستان دماوند به

تیراندازی

به رقیب عشقی



گروه حوادث/ ماجرای شکایت مرد جوان از دو موتورسوار که با شلیک گلوله وی را مورد سوء قصد قرار داده بودند بعد از دستگیری متهمان به یک دوتل عشقی تبدیل شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مرد جوانی در تماس با پلیس از شلیک دو موتورسوار به خودرواش خبر داد و گفت: سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ شخصی‌ام در حال رفتن به خانه‌ام در غرب تهران بودم که موتورسیکلنی با دو سرنشین راهم را سد کردند. ابتدا فکر کردم قصد پرسیدن آدرس دارند اما ناگهان یکی از آنها اسلحه‌ای را از زیر پیراهنش بیرون آورد و به سمت من نشانه گرفت. به محض دیدن اسلحه ترسیدم و پایم را روی پدال گاز گذاشتم و فرار کردم. اما مرد مسلح شروع به شلیک کرد و دو گلوله به شیشه خودروام خورد. تا به حال موتورسواران را ندیده بودم و نمی دانم هدفشان از این کار چه بود. با شکایت مرد جوان بلافاصله کار آگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و به تحقیقات میدانی پرداختند. در تحقیقات از محل حادثه اسلحه متهمان پیدا شد. یکی از شاهدان که اسلحه را پیدا کرده بود آن را به مأموران تحویل داد و موضوع تیراندازی را تأیید کرد.

در گام بعدی کار آگاهان پلیس به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه پرداخته و شماره پلاک موتورسیکل را به دست آوردند. با استعلام شماره پلاک، هویت مالک آن به نام خسرو شناسایی شد.

مأموران با هماهنگی بازپرس شعبه چهارم دادسرای ویژه سرقت راهی خانه مرد موتورسوار شده و خسرو را بازداشت کردند. اما متهم در تحقیقات اولیه، ادعایی متفاوت از آنچه شاکي گفته بود مطرح کرد: «مدتی قبل در اینستاگرام

مرگ مرموز پسر جوان در کمپ ترک اعتیاد

داشت. من پسرمار را برای اینکه درمان شود به کمپ سپردم اما آنها ۶ روز بعد جنازه پسرمار را تحویل دادند به همین خاطر از مسئولان کمپ شکایت دارم و خواهان رسیدگی به این ماجرا هستم. در ادامه تحقیقات از مسئول کمپ وی گفت: شایان برای ترک همکاری نمی کرد و دو روز آخر حالت بد شده بود. اما چون معتاد بود این حال بد او به نظرمان طبیعی بود. روز دوم که حالتش بدتر شد پزشک کمپ توصیه کرد که او را به بیمارستان ببریم و ما نیز همین کار را کردیم. بازپرس مصطفی واحدی از شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته کمپ، تحقیق از مسئولان و کارمندان کمپ برای مشخص شدن علت مرگ پسر جوان را صادر کرد.

گروه حوادث/ پسر جوان که برای ترک اعتیاد راهی کمپ شده بود ۶ روز پس از شروع درمان به طرز مرموزی جان باخت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل گزارش مرگ مشکوک پسر جوانی در یک بیمارستان از سوی مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.

نخستین بررسی‌ها نشان می داد که پسر جوان از یک کمپ ترک اعتیاد به بیمارستان منتقل اما ساعاتی بعد تسلیم مرگ شده است. پدر این پسر ۲۸ ساله در تحقیقات گفت: پسرمار معتاد به تریاک شده بود و او را برای ترک به کمپ بردیم. شایان بیماری خاصی نداشت کمپی هم که برای ترک انتخاب کردیم مجوز